

«شهر اسوه»

«جلد اول»

«محمود صلاحی»

با همکاری

«حجت الاسلام حسن ناصری پور»

«دکتر مسعود میری»، «دکتر عبدالرضا کردی» و «مهدی فاضل نکور»



انستیتوت مدیریت اسوه

سرشناسه	صلاحی احمدآبادی، محمود، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پندآور	شهر اسوه/ محمود صلاحی: با همکاری حسن ناصرپور ... (و دیگران): [به سفارش] اندیشکده مدیریت اسوه.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات طهورا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	ج۲.
شابک	۱۷۰۰۰۰ ریال (شومین)، ۱۸۵۰۰۰ ریال (سخت): ج: ۱-7-1978-600-92924 : ۱۷۰۰۰۰ ریال (شومین)، ۱۸۵۰۰۰ ریال (سخت): ج: ۲-4-978-600-92924
وضعیت فهرست نویسی	فبا
یادداشت	با همکاری حسن ناصرپور، مسعود میری، عبدالرضا کردی، مهدی فاضل فکور.
موضوع	مدینه فاضله
موضوع	مدینه فاضله -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	اصلاحات اجتماعی -- ایران
شناسه افروده	ناصرپور، حسن، ۱۳۵۷ -
شناسه افروده	اندیشکده مدیریت اسوه
رده بندی کنگره	۱۳۵۲ ۹۱/ص۸۰/۶ HXA
رده بندی دیویی	۳۳۱/۷
شماره کاتالوگ ملی	۳۱۲۷۲۳۳

نام کتاب: شهر اسوه (جلد اول)

تألیف: دکتر محمود صلاحی احمدآبادی

با همکاری: حجت الاسلام حسن ناصرپور، دکتر مسعود میری،

دکتر عبدالرضا کردی، مهدی فاضل فکور، محسن استادباقری، بهزاد تیمورپور

ناشر: انتشارات طهورا

نوبت چاپ: اول، فروردین ۱۳۹۲

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: گل آذین

شابک: ۷-۱-۹۲۹۲۴-۶۰۰-۹۷۸

بها: جلد سخت ۱۸۵/۰۰۰ ریال

جلد شومیز: ۱۷۰/۰۰۰ ریال



انتشارات طهورا

اندیشکده مدیریت اسوه

تلفن: ۰۲۱-۲۲۸۷۲۰۰۵ و ۰۲۱-۲۲۸۷۲۰۰۴ نمابر: ۰۲۱-۲۲۸۵۶۱۱۶

www.modiriatosveh.ir info@modiriatosveh.ir

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

تقدیم به:

یگانه برادرندگی «مدینه ی فاضله ی قدسی»، احیاکننده ی
«نیک‌شمار انسانی»، پدیدآورنده ی «حکومت عدل جهانی»، حضرت
حجت ابن الحسن العسکری (عج الله تعالی فرجه الشریف) و
بزرگ‌معمار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام
خمینی (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب، حضرت امام خامنه‌ای
(مدظله العالی) و شهیدان و حافظان عزت و شرف این خطه ی
ولایت‌مدار و با آرزوی اتصال این انقلاب شکوهمند به «انقلاب جهانی
حضرتش» در سایه سار الطاف حجت برحق خدا، مولای تسلیم و
رضا، حضرت امام علی ابن موسی الرضا علیه الاف التحية و الثناء

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۸
بخش اول.....	۱۷
بخش دوم.....	۱۸
بخش سوم.....	۱۸
بخش چهارم.....	۱۹
بخش پنجم.....	۱۹
بخش ششم.....	۲۰
بخش هفتم.....	۲۰
بخش اول: شناخت آرمان شهر معادت.....	۲۳
اشاره:.....	۲۴
۱- فلسفه و اهداف حکومت اسلامی.....	۲۵
نورانی گشتن، هدف عالی حکومت.....	۲۶
۲- اوصاف مدینه‌ی فاضله.....	۳۰
الف) رشد فرهنگی و علمی.....	۳۰
ب) رشد مالی و اقتصادی.....	۳۳
پ) رشد تولیدی و صنعتی.....	۳۷
ت) رشد حقوقی (ملی و بین‌المللی).....	۴۳
ث) رشد نظم و امنیت.....	۴۷
بخش دوم: اصلاحات در ایران.....	۵۱
اشاره:.....	۵۲
فصل اول:.....	۵۵
۱) ایران در رؤیای توسعه با راهکار «مدرنیته».....	۵۵

۵۵	الف) مروری بر سیر پیشرفت در اروپا.....
۵۷	ب) پیامدهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مدرنیته در اروپا.....
۵۸	پ) تقابل سنت و مدرنیته.....
۶۰	ت) پیامدهای برخورد ایران با مدرنیته:.....
۶۴	ث) غرب و «مدرنیته» در اندیشه‌ی روشنفکران ایرانی.....
۷۰	۲) آغاز اصلاحات در ایران:.....
۷۴	الف) دوره‌ی اول اصلاحات.....
۸۳	ب) دوره‌ی دوم اصلاحات.....
۱۰۲	فصل دوم:.....
۱۰۲	انقلاب اسلامی ایران- دوره‌ی سوم.....
۱۱۵	جمع‌بندی:.....
۱۳۲	بخش سوم: فرهنگ، ارتباطات و هویت.....
۱۳۳	اشاره:.....
۱۳۶	فصل اول.....
۱۳۶	فرهنگ.....
۱۴۶	بازشناسی مفهوم فرهنگ.....
۱۴۷	فرهنگ و تمدن:.....
۱۵۰	خصوصیات عام فرهنگ.....
۱۶۴	نتیجه‌گیری:.....
۱۶۶	فصل دوم.....
۱۶۶	ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی.....
۱۸۶	نتیجه‌گیری:.....
۱۸۸	فصل سوم.....
۱۸۸	هویت و بحران هویت.....
۱۹۰	هویت و فرهنگ.....

نسبت دو مفهوم از خود بیگانگی و هویت:.....	۱۹۳
هویت ملی.....	۱۹۷
نتیجه گیری:.....	۲۰۹
بخش چهارم: نظم و انتظام اجتماعی.....	۲۱۱
اشاره:.....	۲۱۲
فصل اول:.....	۲۱۷
جامعه‌شناسی نظم اجتماعی.....	۲۱۷
فصل دوم:.....	۲۴۲
نظم اجتماعی در اسلام و متون دینی.....	۲۴۲
نتیجه گیری بخش:.....	۳۱۹
قسمت اول:.....	۳۱۹
نظم اجتماعی، تعادل اجتماعی و بحران اجتماعی.....	۳۱۹
قسمت دوم،.....	۳۴۳
بی ثباتی و بی نظمی، مهم ترین آفات و تهدیدهای انقلابها.....	۳۴۳
ضرورت استمرار انقلاب:.....	۳۵۶
جمع بندی:.....	۳۶۵
بخش پنجم: ویژگی‌های شهر اسوه در متون و آرا.....	۳۶۶
فصل اول.....	۳۶۷
جامعه‌ی آرمانی.....	۳۶۷
فصل دوم:.....	۴۱۴
قانونمندی تاریخ، جامعه و امور اجتماعی.....	۴۱۴
آرمان شهر در منابع شیعه.....	۴۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«رَبِّ أَذِنْ لِي مَدْخَلَ صِدْقِي وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

تَصِيرَ» «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»



بنام خداوند لوح و قلم که نور وجود آفرید از عدم
خداوند حکم و کتاب مبین خداوند تعلیم و تهذیب و دین
خداوند بیداری و زندگی خداوند علم و برازندگی

خداوند منان و حکیم، در آفرینش ذات آدمی و سرشتن ضمیر ناخودآگاه بشری، میل و رغبت تعالی به سمت و سوی «کمال و یک‌بختی» را در دو بعد «فطرت جسمانی» و «منزلت روحانی» انسان نهادینه، عجین و مزوج کرده است.

در این گیتی پهناور، انسان عاقل و سلیم‌النفسی را نمی‌توان یافت که آرزوی صعود و فتح قله‌های سعادت و نیک‌فرجامی را در ذهن نیروورانده باشد و لذا همواره در این راه، به جدّ و جهد، در تکاپو و جستجوست.

از سوی دیگر، رحمانیت و رأفت واسعه‌ی ذات لایزال الهی در پاسخ به این نیاز فطری بشری، پیامبرانی را در درون و برون این «کالبد احسن الخلاق» قرار داده تا به کمک آن‌ها، سره را از ناسره و راه مستقیم را از کژراهه بازشناسد و به فتح این قله نائل آید.

از این رو «عقل» را به عنوان «رسول درونی» و «انبیاء الهی» را به عنوان «پیغامبر برونی» همچون چراغی فروزان، فرا روی بشریت سرگشته به ودیعه گذاشت تا حجت را در طول عالم خلقت، از «قدمت آدم» تا «امت خاتم» به نهایت و اکمال، به اتمام رسانده باشد.

همچنین در کلام آسمانی خود از رسول داوود، تورات موسی (ع) و انجیل عیسی (ع) گرفته تا «قرآن محمد (ص)» بارها و بارها متذکر شده که برای «بقا» آفریده شده‌اید نه برای «فنا» و این که ۲۳ بار «إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» را تکرار می‌کند به این خاطر است که قلم مویتی فرجام کار انسان، «بازگشت همه کس و همه چیز به سوی خود اوست». خودی که همانا «کمال مطلق هستی» نیز به شمار می‌آید.^۱

موهبت دیگری که پروردگار حیّ قیوم برای اشرف مخلوقات خود به ارث نهاده است، نعمت «اجتماعی زندگی کردن» اوست و این گونه آن را شرح و بسط می‌دهد که: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» ای مردم، بی‌تردید ما همه‌ی شما را از یک مرد و زن (آدم و حوا) آفریدیم و

^۱ همچنین در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره آیه‌ی ۱۵۶ خداوند منان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» «ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی امر او رجوع خواهیم کرد.»

یا هر فرد شما را از يك پدر و مادر خلق کردیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را بازشناسید. (پس در میان شما برتری نژادی نیست بلکه) به طور مسلم گرامی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شماست.^۱

بنابراین انسان بالذات، یک موجود «اجتماعی» است و به صورت گروهی زندگی می‌کند و بدیهی است اگر فراز و فرود خود را در مسیر دستیابی به اوج کمال، در سایه‌ی «تعالی اجتماع» خود جستجو نماید.

از این رهگذر است که در جستجوی گمشده‌ی خویش، به اندیشه‌های بزرگان دینی و مشاهیر علمی پیرامون خود اعم از رهنمودهای پیامبران و اولیای الهی و کتب آسمانی آن‌ها، نظرات دانشمندان، دیدگاه‌های فلاسفه و آرای حکما و... توجه و حساسیت ویژه دارد تا بر اساس این اقوال حکیمانه، «مدینه‌ی فاضله» - به تعبیر فلاسفه‌ی اسلامی - و یا همان «اوتوپیا»^۲ utopia را - به تعبیر فلاسفه‌ی غربی - بنا نهد و در سایه‌ی آن، خود و ابنائش، سعادت‌مندانه و به سلامت و عافیت عمر بگذرانند و کامروا گردند؛ هرچند که برخی از این اقوال و منابع انسانی به خاطر عدم اتصال به مآخذ الهی، به بیراهه رفته یا از مسیر مستقیم انحرافات پیدا نموده‌اند و متأسفانه از این رهگذر، خواسته یا ناخواسته، زمینه‌ی تحقق «مدینه‌ی فاسده» را فراهم ساخته‌اند.

^۱ سوره: الحجرات آیه: ۱۳

^۲ utopia به معنی «آرمان شهر» برای نخستین بار توسط «توماس مور» در سال ۱۵۱۶ در کتابی به همان عنوان بکار گرفته شد.

پس انسان هیچ‌گاه از رؤیای به‌زیستن فارغ نبوده و به همین جهت، همیشه نظاره‌گر افق‌های دوردست بوده تا «بهشت موعود زمینی» خود را افزون بر بهشت آسمانی در همین کره‌ی خاکی بنا نهد؛ از این رو می‌توان گفت اندیشه‌ی آرمان‌شهری، پیشینه‌ای به قدمت جامعه‌ی بشری دارد.

از سوی دیگر، بشر از دیرباز دریافته در سایه‌ی تحقق جامعه‌ای عاری از هرگونه زشتی و بلیدی و آکنده و مملو از خوبی‌ها و نیک‌خواهی‌ها و به تعریف دقیق‌تر همان «آرمان‌شهر سعادت» است که می‌تواند انتظار داشته باشد از دل نهادهای آن، به‌ویژه کانون پاک خانواده، «انسان‌های عاقل، فاضل و کامل» پرورش پیدا نموده و خود و جامعه به رستگاری و کمال رهنمون گردد. جامعه‌ی ایده‌آلی که زیربناهای آن مبتنی بر راستی و درستی افواه و اعمال آحاد مردم آن دیار بوده، کاستی خودساخته‌ای در آن وجود ندارد، «نظم اجتماعی آرمانی» بر آن حاکم بوده و بسترهای رشد و تعالی در آن فراهم است.

حال صرف‌نظر از این بحث فلسفی که «آرمان‌شهر سعادت، به طور مطلق، قابل تحقق است یا خیر؟» سؤال اینجاست که «آیا جمع عقول بشر از ابتدای خلقتش تاکنون - همچنان که در دانش و صنعت، تکنولوژی و فناوری به اوج پیشرفت رسیده و فضا و کهکشان را در تسخیر خود دارد - توانسته در این خصوص نیز به پیشرفت‌های قابل توجهی نائل آید و به حوالی جامعه‌ی ایده‌آلیستی خود دست کم نزدیک شود یا خیر؟»

بی‌شک پاسخ منفی است. اگر بشر امروزی که در اوج تلذذ و تنعم از ثروت و قدرت و بهره‌برداری از مواهب فناوریک و تکنولوژی‌های نوین در همه‌ی عرصه‌هاست، توانسته بود چنین آرمان‌شهری را حتی در گوشه‌ای از این گیتی پهناور بنا کند، آن هنگام آوازه‌ی سعادت‌بخشی و بهروزی مردم آن دیار، عالم‌گیر و جهان‌شمول می‌شد و به مرور زمان، تسری این الگوی کمال بخش، نوع دیگری از زندگی اجتماعی آرمانی را برای بشر امروزی رقم می‌زد.

آن هنگام انسانیت و عدالت شاهد این همه رنج و ناملايمات، فقر و تبعيض‌ها، دیکتاتوری و استبدادها، ظلم و خونریزی‌ها، فحشا و بی‌بندوباری‌ها، تبعیضات و نابرابری‌ها، جنگ و نسل‌کشی‌ها و همه و همه‌ی ناهنجاری‌هایی که انسان ناآرام اما به اصطلاح متمدن امروزی با آن روبروست و شدیداً با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، نمی‌بود!

پس می‌توان گفت که «نهاد اخلاق» گم‌شده‌ی بشر امروزی است. اعظم‌المصائب بشر معاصر، «فقدان معنویت و نبود حاکمیت اخلاق» در میان گزاره‌های اصلی بنیان اجتماعی و زیستی اوست! قطعه‌ی اصلی و مفقوده‌ی پازل که باید به عنوان یک «مؤلفه‌ی کانونی و شاخص»، محور و زیربنای حیات واقعی یک اجتماع و جامعه‌ی ایده‌آل قرار گرفته و حتی «نظم اجتماعی» را که یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین فاکتورها در ساختار یک «جامعه‌ی الگو» به شمار می‌رود، می‌بایست از این حیث، تأثیر و تأثر بپذیرد.

روشن است اگر اخلاق و معنویت در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، دینی و مذهبی، فرهنگی و آموزشی، علمی و فنی، نظامی و انتظامی و... یک جامعه‌ی پویا حکم‌فرما باشد - فارغ از این که آن جامعه، پیرو و متصف به کدام دین، مذهب و آیین الهی است و از آنجایی که اخلاق یک هویت فرا مذهبی است - انسان به معنای واقعی رشد نموده، جامعه نیز به تبع آن در تمامی ارکان خود اعم از نهاد خانواده، نهاد آموزش، نهاد اقتصاد، نهاد حکومت، نهاد حقوق و...، تعالی و تکامل پیدا می‌کند.

از این رو در بحث «شهر اسوه» بر این اعتقادیم *علة العلل* سقوط و پسرفت و یا صعود و پیشرفت همه‌ی جوامع، «بهره بردن از حاکمیت اخلاق و معنویت» است. گم‌شده‌ی بشر و آن چیزی که در سبب نیازمندی‌های اساسی او امروزه مغفول مانده، عنصری است که اگر برقرار باشد، آن موقع چیزی به نام جنگ و خونریزی و تحمیل استثمار و دیکتاتوری به ملت‌ها و دولت‌ها در پوشش «آزادی و صیانت از حقوق بشر» را نخواهیم دید؛ مردم دیگر «زینت المجالس» دولت‌ها نخواهند بود و دموکراسی واقعی بر اساس کرامت انسانی و حقوق حقه‌ی افراد حکم‌فرما می‌شود و این همه ناهنجاری‌های اجتماعی از سیمای جهان رخت بر خواهد بست و نهایتاً این که در بحث مدیریت اقتصادی جهان، ۵۰ درصد ثروت دنیا در دست کمتر از یک درصد مردم نبوده و شش کشور غربی، ۷۰ درصد ثروت جمعیت هفت میلیاردی دنیا را در تصاحب خود خواهند داشت!^۱

^۱ منبع: پایگاه اطلاع رسانی آفتاب www.aftabnews.ir

یادآوری این نکته در اینجا خالی از لطف نیست که اگر مبحث «مدیریت اسوه» به عنوان یک اصل محوری در ابرام پایه‌های حاکمیتی جامعه، در گذشته توسط «مرکز مطالعات، تحقیقات و آموزش شهر اسوه» و هم‌اکنون توسط «اندیشکده‌ی مدیریت اسوه»^۱ به صورت جدی دنبال می‌شود و تاکنون تحقیقات فراوانی در این باب صورت پذیرفته و بخشی از این پژوهش‌ها در قالب ده شماره‌ی نشریه‌ی «مدیریت اسوه»، یک کتاب «منشور مدیریت اسوه» در هشت فصل به زیور طبع نیز آراسته گردیده و تقدیم محافل علمی و پژوهشی و فرزندان در داخل و خارج از کشور شده و کتابی با همین مضمون نیز در دست انتشار است - به خاطر آن است که «اخلاق‌مداری» وجه غالب و آشکار «مدیریت اسوه» است.

فارغ از اهمیت جهانی مقوله‌ی «یک شهر قدسی» که نیاز همه‌ی ابنای بشر است و مرز و جغرافیا، دین و آیین و قوم و ملیت نمی‌شناسد، در کشور و میهن عزیز ما ایران اسلامی این مهم، اعتبار و وجاهتی مضاعف می‌یابد.

جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری است که بر پایه‌ی مدل حکومتی «نظام مردم‌سالاری دینی» به معنای حقیقی آن و با محوریت اصل مرفعی و وحدت‌آفرین «ولایت‌فقیه»، ۳۴ سال پیش توسط بزرگ معمار مردمی‌ترین انقلاب جهان، بنیان‌گذار نظام مقدس ولایی جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) بنانهاده شده و پس از ایشان تاکنون بر اساس هدایت‌های دایمانه‌ی رهبر اندیشمند و حکیم نظام، مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای

^۱ نشانی پایگاه اطلاع رسانی اندیشکده‌ی مدیریت اسوه www.modiriatosveh.ir

(مدظله‌العالی) مقتدرانه بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت به پیش رفته است.

با این خصوصیات آرمانی ایران بزرگ - که کشوری است پهناور با تاریخی شش هزارساله، فرهنگ، آداب و رسوم و تمدنی پرآوازه، دارای نظامی اسلامی و مردم‌سالارانه، برخوردار از ملتی شجاع و آزاده و... - قدر یقین، چنین کشوری وارسته و ملتی آراسته، شایسته‌ی احترام و جلال‌اند و بایسته‌ی آن که حریمش، کعبه‌ی اول آمال همه‌ی مستضعفان، حرّمش مأمن همه‌ی آزادگان و مشهدالرضایش، قبله‌ی هفتم شیعیان جهان و خاک آن آستان ملک پاسبان، تربت نمازشان باشد.

بنابراین، ایران پر افتخار، کشوری که مشاهیر پرآوازه‌ای همچون رازی «کاشف الکَل»، ابن سینا «خالق قانون» و خواجه نصرالدین طوسی «پدر علم مهندسی» دنیا و کثیری از علما، اندیشمندان، دانشمندان، شعرا، عرفا و... را در دامن خود پرورانده، هر چند عقب‌ماندگی‌های چند صد ساله‌ی اخیرش معلول میراث شوم سال‌ها تسلط استبدادگونه‌ی نظام سلطه و بیداد مستبدان عالم نسبت به این مرز و بوم است، اما حال که با این سرعت و شتاب در تولید علم، یلکان ترقی را به سرعت می‌پیماید و فاصله‌ی خود را با جهان برخوردار از علم و دانش و فن به حداقل رسانده و از این بابت، زبانزد جهانیان گشته، طبیعی است که مرکز ثقل انتظارات مسلمانان مظلوم و شیعیان چشم‌به‌راه نیز قرار گیرد.

از این رو می‌بایست با استفاده از منابع غنی و سرشار دینی خاصه آموزه‌های مُلهم از معارف مکتب نبوی و شریعت علوی و نیز بهره‌مندی از تجارب علمی و بین‌المللی، پژوهش‌های میدانی و دانش ملی و اندوخته‌های تاریخی خود، نسبت به پیاده‌سازی، تعمیق و ترویج مفاهیم و ملزومات بنای رفیع «شهر سعادت» در «ام‌القرای جهان اسلام» گام بردارد و موفقیت‌های حاصله را به عنوان الگویی موفق در این راه، به جهانیان عرضه کند.

لذا در این کتاب، تلاش شده ضمن کنکاش در تاریخ معاصر کشور و واکاوی علل عدم تحقق مؤلفه‌های اساسی جامعه‌ی آرمان محور مانند «نظم و انتظام اجتماعی»، «خودباوری و اخلاق‌گرایی»، «توسعه و اصلاحات»، «عدالت، امنیت و رفاه اجتماعی» و... به ضرورت‌ها و ملزومات، کنش‌ها و واکنش‌ها، سره‌ها و ناسره‌ها و... در حد وسع و توان و مقدورات پردازیم.

بخش اول

در آغازین بخش، تلاش شده تا برداشت‌ها، تعاریف و دست‌مایه‌های اولیه از «نمونه شهر سعادت» از منظر عقلانیت الهی تبیین و تشریح گردد و در همین راستا، به فلسفه و اهداف حکومت اسلامی و اوصاف و پیامدها و بایدها و نبایدها برای تحقق «مدینه‌ی فاضله» شامل رشد فرهنگی و علمی، رشد مالی و اقتصادی، رشد تولیدی و صنعتی، رشد حقوقی (داخلی و بین‌المللی)، رشد نظم و امنیت و... به اندازه‌ی ضرورت و نیاز، پرداخته شده است.

بخش دوم

در این بخش، طی دو فصل، ذیل عنوان کلی «اصلاحات در ایران» به اقدامات مهم رفرمیستی^۱ از عصر مشروطه تا دوره‌ی شکوهمند انقلاب اسلامی اشاره کرده‌ایم. سؤال اصلی در این بخش تاریخی آن است: «ایران در رؤیای توسعه، دریافت که گام اول تحقق جامعه‌ی «آرمان محور»، قدم نهادن در جاده‌ی اصلاحات با در نظر داشت الگوهای اسلامی - ملی خود و روش‌های موفق سایر کشورهای پیشروست؛ اما چرا با وجود تلاش افراد و گروه‌های مختلف، این اصلاحات به معنای حقیقی خود در ایران پا نگرفت و به سرانجام مطلوبی نرسید؟» و در پی یافتن پاسخ این سؤال می‌خواهیم بگوییم مثلاً اگر همین مؤلفه‌ی کانونی «نظم اجتماعی» را به عنوان یک قدم اصلاح طلبانه بخواهیم در جامعه پیاده کنیم، باید چه تدابیری را با استفاده از تجربیات گذشته اتخاذ کرد تا به مقصود نائل شد؟

بخش سوم

در سه فصل به بررسی ابعاد موضوعات «فرهنگ، ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی و هویت» پرداخته‌ایم تا با پشتوانه‌ی علمی و تحلیلی ارائه شده از موضوعات مذکور، یک رابطه‌ی وثیق بین تأثیر فرهنگ، وسایل ارتباط جمعی و اقدامات اصلاح طلبانه برقرار سازیم. فرضیه‌ی اصلی در این بخش آن است که برای به ثمر نشستن هر اقدام اصلاح گرایانه، می‌بایست زمینه‌های فرهنگی، اطلاع‌رسانی و هویتی جامعه نیز در نظر گرفته شود؛ زیرا فرهنگ قواعد رفتاری را

^۱ یعنی اصلاح طلبی

تعیین و وسایل ارتباط جمعی، زمینه‌ی تعامل بین افراد را مهیا می‌سازد. افرادی که باید در اثر کارکرد نهادهای فرهنگی و ارتباطی از هویتی مشترک برخوردار گردند تا سیاست و اهداف مشخصی را به طور منظم، عملی سازند.

بخش چهارم

اختصاص به موضوع کلیدی مجموعه‌ی حاضر یعنی نظم و انتظام اجتماعی خصوصاً در متون اسلامی دارد. در این بخش، مطالعاتی با استناد به مهم‌ترین عناصر اخلاقی و دینی با رویکردی واقع‌بینانه موضوعاتی را مورد بررسی و کنکاش قرار داده‌ایم. موضوعاتی که هر کدام چنان پیچیده و عمیق است که می‌تواند مبنای تهیه‌ی یک رساله‌ی تحقیقاتی قرار گیرند. فرهنگ، توسعه، اصلاحات، هویت، نظم و ... در میان سیر تاریخی، سیاسی و اجتماعی ارزشی مورد بررسی قرار گرفته تا ضمن برقراری پیوندی مبارک بین واقعیت و حقیقت و ذهن و عین، در سایه‌ی این اتحاد، از یک سو سامان‌دهنده‌ی امور و مرتفع‌کننده‌ی معضلات موجود شویم و از سوی دیگر با عملیاتی کردن یافته‌ها، زمینه را برای برپایی جامعه‌ی آرمانی اسلامی فراهم آوریم.

بخش پنجم

با اشاره به سابقه‌ی تاریخی و نظری اندیشه آرمان‌شهر، ذکر ویژگی‌های دوران زمامداری نبی اکرم حضرت محمد(ص)، امیر مؤمنان حضرت علی(ع) و حضرت ولی عصر(عج) و نیز ذکر دیدگاه‌های قرآن در مورد قانونمندی و شرایط جامعه‌ی انسانی و اسلامی، اندیشه‌ی «مدینه‌ی فاضله» را به لحاظ مبانی تاریخی علمی و

دینی به کنکاش گذارده‌ایم تا ضمن اثبات عقلانی و دینی بودن آن، مهم‌ترین عناصر و عوامل سازنده جامعه‌ی مطلوب اسلامی را شناسایی و معرفی نماییم.

بخش ششم

در این بخش - با شرح گام‌های اساسی در تحقق بنای رفیع «آرمان‌شهر اسوه» - تلاش شده است تا با صورت‌کارپردی دادن به نتایج بخش‌های گذشته، مقدمات اجرایی شدن شهر نمونه‌ی اسوه را مطابق با استانداردهای ارزشی و علمی فراهم سازیم و در این مسیر، پنج نهاد «خانواده»، «تعلیم و تربیت»، «آموزش و پرورش»، «اقتصاد» و «حقوق» را مورد بررسی قرار داده‌ایم. گفتنی است از این بخش به بعد نه تنها شاخص «نظم اجتماعی» بلکه سایر مؤلفه‌های جامعه‌ی ایده‌آل اسلامی از جمله «عدالت و قسط» و «امنیت و رفاه اجتماعی - اسلامی» در مبحث «شهر نمونه‌ی اسلامی» پررنگ‌تر دیده شده است.

بخش هفتم

بخش هفتم اختصاص به «جمع‌بندی» آنچه که خرد جمعی تاکنون به آن رسیده و در شش بخش گذشته اهم آن ذکر شد، دارد. می‌خواهیم ضمن ارائه‌ی تصویری شفاف از سیمای جامعه‌ی آرمانی بگوییم که دگرگونی‌های اجتماعی و اصلاحات توسعه‌ای در صورتی می‌توانند راهگشا و تحول‌آفرین باشند که از مبدأ و حیانی سرچشمه گرفته و با فطرت پاک انسانی همسو و عجین باشند.

همچنین به این سخن جامعه‌شناسان و اندیشه‌ورزان علوم اجتماعی که قوام و استحکام جامعه مبتنی بر پنج نهادها اصلی خانواده، حکومت، اقتصاد، حقوق و آموزش و پرورش است، اشکال جدی وارد نموده و با بر شمردن وظایف خطیر این پنج نهاد بر اساس شواهد عقلی و آیات و روایات تأکید کنیم که آری، هر جامعه‌ی مطلوب می‌تواند مبتنی بر این پنج پایه باشد، اما «آیا برای تحقق آرمان‌شهر اسلامی، اصالت بخشی به این پنج نهاد مصطلح در بین محققان و اندیشه‌ورزان علوم اجتماعی کافی است؟» و این که «اگر پاسخ مثبت است، پس باوجود توجه‌ی اندیشمندان و دولت‌مردان جوامع حتی پیشرفته‌ی امروزی به این پنج مؤلفه‌ی قانونی، چرا هنوز بشریت در مسیر تحقق جامعه‌ی حیات طیبه و ایده‌آل قرار نگرفته و روز به روز از آن دورتر می‌شود؟»

بنابراین جزء مفقوده‌ی «نقشه‌ی راه صلاح و سداد بشری»، همانا «فرهنگ» و به تعبیر صحیح‌تر «اخلاق» است. «عنصری و حیاتی» که مانند «اکسیری حیاتی» استراتژیک‌ترین نیاز جزء جزء یک «جامعه‌ی وحدانی»^۱ است و باید به عنوان ششمین مؤلفه در پایه‌های یک اجتماع ایده‌آل، مطمع نظر قرار گیرد. مقوله‌ای که بدیهی است منحصر به جوامع اسلامی هم نیست و حتی در جوامع غیر اسلامی اگر این اصل رعایت و به آن اصالت کافی داده نشود، کُمیت آن جامعه لنگ شده و روی سعادت و بهروزی را نخواهد دید!

^۱ مراد، جامعه‌ای است مبتنی بر «مدیریت جامع یکپارچه» که نظم آرمانی بر آن مستولی است.

در پایان ضمن گرامیداشت «سال حماسه‌ی سیاسی» و «حماسه‌ی اقتصادی» و آرزوی تعجیل در نصرت وعده داده‌شده‌ی الهی به مستضعفان عالم و تمنای تحقق هرچه سریع‌تر «جامعه‌ی آرمانی موعود» به دست باکفایت حضرت بقیه الله الاعظم، حجت ابن الحسن السکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از همه عزیزانی که در تهیه‌ی این مجموعه ما را یاری دادند، به‌ویژه شورای سیاست‌گذاری اندیشکده‌ی مدیریت اسوه و دبیر آن حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حسن ناصری پور و آقایان دکتر عبدالرضا کردی، دکتر مسعود میری، مهدی فاضل فکور، عبدالرضا زرگری و اساتید بزرگوار حوزه و دانشگاه و ... همچنین جناب آقای دکتر اسماعیل وفایی که هزینه‌های مرتبط با این کتاب را به نیت خیر باقیات‌الصالحات و اهدای ثواب آن برای شادی روح والدین گرامیشان تقبل فرمودند، کمال قدردانی و تشکر را دارم.

دست‌گیر و حرم ما را در گذار
که ترا رحم آورد آن ای رفیق
ایمنی از تو هاست هم ز تو
مصلحتی تو، ای تو سلطان سخن
گر که جوی خون بود، نیلش کنی
این چنین اکسیرها زاسرار توست

ای خدای پاک و بی‌انباز و یار
یاد ده ما را سخن‌های دقیق
هم دعا از تو، اجابت هم ز تو
گر خطا گفتیم، اصلاحش تو کن
کیمیای داری که تبدیلتش کنی
این چنین میناگری‌ها کار توست

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

محمود صلاحی

فروردین ۱۳۹۲

www.ketab.ir



بخش اول،

شناخت آرمان شهر سعادت

اشاره:

غایتی که در این بخش به دنبال آن هستیم، ارائه‌ی درک و شناختی مختصر از کلیات و مفاهیم اولیه‌ی «آرمان‌شهر سعادت» به زبانی ساده و گویاست تا آن دسته از علاقمندان مباحث و پژوهش‌های اجتماعی با محوریت «جامعه‌ی اسوه» را با این مفاهیم اساسی آشناسازیم. به تعبیری دیگر، می‌خواهیم در همان بخش اول، چکیده و عصاره‌ای از آنچه که در بخش‌های بعدی به صورت مفصل و بعضاً تخصصی بدان خواهیم پرداخت را ارائه نموده تا از حلاوت و شیرینی مباحث بسیار مورد نیاز «جامعه‌ی آرمان محور» در لابه‌لای تحلیل و تعریف غامض واژه‌ها و اصطلاحات علمی و آرای فلاسفه و حکما، بررسی تفسیری و تخصصی آیات و نیز کنکاش ژرف گونه در مبانی روایات اسلامی کاسته نشده و پس از اغنای اولیه‌ی مخاطبان گرامی، آمادگی‌های لازم برای مواجهه با مباحث تکمیلی و تخصصی بعدی فراهم آید.

بنابراین مباحث این بخش را می‌توان پاسخی مختصر اما نسبتاً ژرف به این سؤال که «به طور کلی در این کتاب دو جلدی، چه خواهیم گفت؟» به شمار آورد.